هو العلیم

دستورات آیت‌الله قاضی دربارهٔ ماه‌های مبارک رجب، شعبان و رمضان

به همراه توضیحات علامهٔ طهرانی رضوان‌الله‌علیهما

برگرفته از آثار

حضرت علامه آیت‌اللَه حاج سید محمدحسین

حسینی طهرانی

رضوان‌اللَه‌علیه

مکتب وحی

بسم الله الرحمن الرحيم

مرحوم آیت‌اللَه حاج سید علی قاضی در وصیتی که به شاگردان خود در سه ماه رجب و شعبان و رمضان دارد می‌فرماید:

أَلحمدُ لله رَبِّ العالمين

وَ الصَّلاةُ وَ السّلامُ على الرَّسولِ المُبينِ

وَ وَزيرهِ الوَصى الأمين

وَ أبنائِهُما الخلفاءِ الرّاشدين وَ الذُّريةِ الطّاهرين

و الخَلَفِ الصّالح و الماءِ المَعين

صَلّى اللَهُ و سلّمَ عليهم أجمَعينَ

حمد مختصّ ذات اقدس پروردگار عالمیان است. و صلوات و سلام خدا و فرشتگان مقرّب و

همهٔ جهانیان، بر فرستادهٔ آشکار او، و بر وزیر و وصیّ امین آن حضرت، امیرالمؤمنین، و بر فرزندان آن دو بزرگوار که خلفای راشدین و راه‌یافتگان و راهنمایان به حقّ و صراط مستقیم، و ذرّیهٔ طاهرین آنان می‌باشند باد. و درود و سلام بر خَلَف صالح و جانشین به حقّ و شایستهٔ آنها باد که آب گوارا بر کام تشنهٔ امّت و شیعیان می‌باشند، صَلَّی اللَه وَ سَلّمَ عَلیهم أجمَعینَ، درود و سلام خداوند بر همهٔ آنان باد.

۱ـ تَنَبَّه! فَقَد وافَتکُمُ الأشهُرُ الْحرُمْ *** تَیقَّظ لِکَی تَزدادَ فی الزّادِ وَ اغْتنمْ

«۱ـ آگاه و متوجه باش! که ماه‌های حرام (رجب و شعبان و رمضان که در نزد اهل عرفان ماه‌های حرام‌اند) از راه رسید؛ بیدار باش! تا اینکه برای مسافرت خویش توشه برداری، و این فرصت را از دست مده و غنیمت بشمار.»

۲ـ فقُمْ فی لیالیها وَ صُمْ مِن نهارها *** لِشُکر إلهٍ تَمَّ فی لُطفه وَ عَمّ

«۲ـ شب‌های آن را به بیداری و روزهای آن را به روزه گرفتن سپری نما، به‌شکرانهٔ اینکه خداوند لطف خویش را عام و شامل همگان فرموده است.»

۳ـ وَ لا تَهجَعَنْ فی اللَیل إلاَّ أقَلَّهُ *** تَهَجّدْ؛ وَ کمْ صَبٍّ مِن اللَّیل لَمْ یَنَمْ

«۳ـ و شب را جز به مقدار کمی استراحت و خواب سپری مکن، و نماز شب را به‌نحو تهجّد و

بیدار و خواب به جای آور (یعنی چند رکعتی نماز بخوان و مقداری بخواب و سپس بیدار شو، و به همین ترتیب عمل نمای تا نافلهٔ شب پایان پذیرد؛) و چه بسیارند عاشقانی که هرگز در شب نمی‌خوابند!»

۴ـ و رَتِّلْ کتابَ الْحَقِّ وَ اقرَأْهُ ماکثاً *** بِأَحسَنَ صوتٍ نورُهُ یُشرقُ الظُّلَمْ

«۴ـ و کتاب حقّ را تلاوت نمای و آن را با بهترین صوت و زیباترین نغمه و آرام‌آرام قرائت کن؛ چراکه ظلمت‌ها و کدورت‌ها را تبدیل به نور و روشنایی می‌نماید.»

۵ـ فَلَمْ تُحظَ بَل لَم یُحظَ [قَطُّ] بِمِثله *** وَ أَخْطأَ مَن غیرَ الذی قُلْتُهُ زَعَمْ

«۵ـ پس تو بهره‌مند نشدی، بلکه هیچ‌کس از چیزی به مانند قرآن بهره نبرده است! و هرکس غیر از گفتهٔ مرا بگوید سخت در اشتباه فرو رفته، مرتکب خطا گردیده و گمان او گمان باطلی خواهد بود.»

۶ـ وَ سلِّمْ علی أَصل القُرانِ وَ فصلِهِ *** بَقِیة آل الله، کُن عَبدَهُ السَّلَمْ

«۶ـ و سلام بفرست بر اصل قرآن و فصل آن (که مقصود محمد و آل محمد صلوات‌اللَه‌علیهم‌اجمعین هستند) که آنان باقی‌ماندگان آل‌اللَه می‌باشند، و در برابر آنان عبد محض و تسلیم و بدون اراده باش.»

۷ـ فَمَن دانَ للرَّحمن فی غیرِ حُبِّهم *** فَقَدْ ضَلَّ فی إنکارهِ أعظمَ النِّعَمْ

«۷ـ هر کسی که در غیر حبّ آنها خود را در ذمّهٔ خداوند رحمان درآورد و به اندازهٔ ذرّه‌ای از محبّت

غیر آنها در دل راه دهد، او محققاً گمراه شده و منکر نعمت ولایت آنان گردیده؛ و در این انکار خود، نعمت‌های پروردگارش را از دست داده است.»

۸ـ فَحُبُّهم حُبُّ الالهِ اسْتَعِذْ به *** هُمُ الْعروَةُ الوُثقی فَبِالعُرْوَةِ اعْتَصِمْ

«۸ـ پس محبّت به آنها محبّت به خداوند است و در این صورت تو خود را در پناه حبّ خداوند درآور؛ ایشان ریسمان مستحکم الهی هستند، پس به این ریسمان چنگ بزن.»

۹ـ فلا تَكُ باللّاهی عن الْقول وَ اعْتَبِرْ *** معانیه کی تَرْقیٰ إلی أرْفَع الْقِمَمْ

«۹ـ و دربارهٔ قرآن کوتاهی مکن، و آن را از روی لهو و لعب قرائت منمای و در معانی آن دقت کن تا به‌واسطهٔ دقت در قرآن به بالاترین ذروه از قُلَلِ مَجد و شرف نائل آیی.»

۱۰ـ عَلیك بِذکر الله فی کُلِّ حالةٍ *** وَ لا تَنِ فیهِ لا تقُلْ کیفَ ذا و کَم!

«۱۰ـ و در هر حال بر تو باد به ذکر و یاد خدا؛ و مبادا کوتاهی کنی در قرائت قرآن و ذکر پروردگار! و هیچ‌گاه در این مورد عذر نیاور که: چگونه و چه مقدار به یاد او باشم. (یعنی اشتغال به امور دنیوی و تراکم شواغل و مشاغل تو باعث نشود که در این دو مهم، سستی و تکاهل ورزی و آن را به‌عنوان عذر برای خویش تلقّی نمایی.)»

۱۱ـ فهَذا حِمیَ الرَّحمن فادْخلْ مُراعیا *** لِحُرُماته فیها عَظِّمْهُ وَ التَزِمْ

«۱۱ـ این ماه‌ها (رجب و شعبان و رمضان) قرقگاه‌های خداوند است؛ پس در این قرقگاه داخل شو، اما حرمت آن را پاس بدار و آنها را معظّم داشته، ملتزم به رعایت آداب آن باش.»

۱۲ـ فَمَن یَعتَصِمْ باللهِ یُهدَ صراطَهُ *** فإنْ قُلْتَ رَبِّی اللهُ یا صاحِ فاسْتَقِمْ

«۱۲ـ پس هر کسی که به خداوند معتصم شود (دست به دامان رحمت و جمال و جلال او دراز نماید و به ریسمان او چنگ بزند) خود را در صراط او می‌یابد. و اگر گفتی: «ربّی اللَه»، ای گوینده، روی این کلام ایستادگی نمای و دست از آن برندار!»

«قالَ عَزَّ مِن قائلٍ: ﴿وَ مَن یَعتصِم بِاللَه فقَد هُدِیَ إلَی صِراطٍ مُستَقیمٍ﴾.[۱]

وَ قالَ: ﴿وَ اسْتَقِمْ کَما أُمِرْتَ﴾.[۲]

وَ قالَ جلَّ جلالُهُ العَظیمُ: ﴿إنَّ الذین قالوا ربُّنا اللَه ثُمَّ استَقَمُوا تتَنَزَّلُ علیهمُ الملئکةُ﴾.[۳]

«خداوند عزیز می‌فرماید:

«و هر کسی که اعتصام به خدا پیدا کند، به‌راستی در صراط مستقیم و راه راست هدایت شده است.»

---

[۱] سورهٔ آل‌عمران (۳)، ذیل آیهٔ ۱۰۱.

[۲] سورهٔ شوری (۴۲)، قسمتی از آیهٔ ۱۵.

[۳] سورهٔ فصّلت (۴۱)، صدر آیهٔ ۳۰.

و نیز فرموده است:

«به آنچه که مأموریت یافتی پایداری و استقامت نما.»

و نیز پروردگار که دارای جلال و مَجد و عظمت است، می‌فرماید:

«به‌راستی آن کسانی‌که بدین معنی اقرار نمودند که: "پروردگار ما اللَه است"، و پس از این اقرار و اعتراف، استقامت و پایداری را پیشهٔ خود ساختند، ملائکهٔ پروردگار بر آنها فرود می‌آیند.»

إنتَبِهوا إخوانی الأعزَّة ـ وَفّقَكمُ اللهُ لطاعتِهِ ـ فَقَدْ دَخلنا فی حِمَی الأشَهُرِ الحُرُمِ، فَما أعظم نِعَمَ الباری علینا و أتَمَّ!

«هان ای برادران عزیز و گرامی‌ام ـ که خدای شما را در طاعت خود موفّق بدارد ـ آگاه باشید! متوجه و هشیار باشید که ما در قُرقگاه داخل شده‌ایم، و همان‌گونه که در زمین‌های حَرَم باید از محرّمات اجتناب نمود و ارتکاب یک سلسله اعمالی که در غیر حَرَم جرم نیست در آنجا جرم محسوب می‌شود، در این ماه‌ها هم که قرقگاه زمانی محسوب می‌شود چنین است و باید با هشیاری و مواظبت در آن وارد

شد، و به همان نحو که در قرقگاه مکانی که حَرَم است، انسان به کعبه نزدیک می‌شود، در این ماه‌ها هم که قرقگاه زمانی است، انسان به مقام قرب خداوند می‌رسد. پس چقدر نعمت‌های پروردگار بر ما بزرگ و تمام است! و او هرگونه نعمتی را بر ما تمام نموده است!»

فالْواجِبُ علينا قَبلَ كُلِّ شيءٍ: التَّوبَةُ بشُروطها اللّازمَةِ وَ صَلَواتِها المعلُومَةِ.

«پس حال که چنین است، قبل از هر چیز آنچه که بر ما واجب و لازم است، توبه‌ای است که دارای شرایط لازمه و نمازهای معلومه است. (مقصود همان دستور توبه‌ای است که رسول خدا صلی‌اللَه‌علیه‌وآله‌وسلم در ماه ذوالقعدةالحرام داده‌اند و در کتب ادعیه مثل مفاتیح الجنان آمده و چهار رکعت نماز دارد.[1])

ثُمَّ الاحتِماء مِنَ الكبائِرَ وَ الصَّغائِرِ بِقَدرِ القُوَّة.

---

[1] مرحوم محدّث قمی (ره) در فصل پنجم که در اعمال ماه ذی‌القعده است گوید:

«و کیفیت آن، چنان است که در روز یکشنبه غسل کند و وضو بگیرد و چهار رکعت نماز گزارد؛ در هر رکعت حمد یك مرتبه، و ﴿قل هو الله احد﴾ سه مرتبه، و معوذتین یك مرتبه، پس استغفار کند هفتاد مرتبه و ختم کند استغفار را به «لا حَوْل وَ لا قوَّةَ الا باللهِ العَلِيّ العَظيم» پس بگوید: «يا عَزيزُ يا غفار أغْفر ذُنوبي وَ ذنوبَ جَميع المُؤْمنينَ وَ المُؤمناتِ فإنَّه لا يَغْفِر الذُّنوبَ إلا أنْتَ».

فقیر گوید: ظاهر آن است که این استغفار مذکور و دعای بعد را، بعد از نماز باید بجا آورد.» (محقّق)

«و پس از توبه، واجب‌ترین چیز بر ما پرهیز از گناهان صغیره و کبیره است تا جایی‌که توان و قدرت و استطاعت داریم.»

فَلَیلَةَ الجُمُعةِ أو یَومَ الأحَدِ تُصَلّونَ صَلاةَ التّوبة لیلةَ الجمعَةِ أو نهارَها؛ ثُمَّ تُعیدُونها یَومَ الأحَدِ فی الیَومِ الثّانِی مِنَ الشَّهرِ.

«پس (ای برادران عزیز) دستور توبه را در شب جمعهٔ اول ماه رجب یا روز جمعه، و یا روز یکشنبهٔ آن، انجام داده نماز توبه را بخوانید؛ سپس آنها را در روز یکشنبهٔ دوّم همان ماه تکرار و اعاده نمایید.»

ثُمَّ تَلتزمونَ المراقَبَة الصُّغریٰ وَ الکُبریٰ وَ المُحاسَبَةَ وَ المُعاتَبَة بِما هُوَ أحْری. فَإنَّ فیها تَذکِرةً لِمَن أرادَ أن یتَذَکَّرَ أو یَخشیٰ.

«سپس ملتزم شوید به مراقبه، چه مراقبهٔ صُغریٰ (بازداشتن نفْس از آنچه که خداوند بدان راضی نیست) و چه مراقبهٔ کُبریٰ (نگاه داشتن دل از آنچه محبوب نمی‌پسندد).

و نیز خود را وادار به محاسبه (حساب کشیدن از نفْس) و مُعاتبه (سرزنش نمودن در صورت لغزش) و مُعاقبه (تنبیه نمودن نفْس در صورت ارتکاب خلاف) به آن چیزی که شایسته و سزاوار است

نمایید.

پس براستی هر کسی که درصدد متذکر شدن به ذکر حقّ و در مقام خشیت از ذات اقدس حضرت حقّ متعال بوده باشد می‌تواند از راه مراقبه و محاسبه و معاتبه و معاقبه متذکر گردد.»

ثُمَّ أقبِلوا بِقلوبِکُم وَ داوُوا أمراضَ ذُنوبِکُم وَ هَوِّنُوا بالإستغفارِ خُطُوبَ عُیوبِکُم.

«پس از این مرحله، با دل‌های خود به خداوند رو آورده، بیماری‌های گناهانتان را معالجه و مداوا نمایید و به‌وسیلهٔ استغفار، بزرگی و سنگینی عیوب خود را کاهش دهید.»

و إیّاکُم وَ هَتکَ الحُرُماتِ! فَإنَّ مَن هَتَکَ وَ إن لَم یَهتکِ الکریمُ علیهِ فهُوَ مَهتوکٌ.

«و بپرهیزید از اینکه حریم الهی را بشکنید و پرده‌های حجاب را بالا زده، حرمت حَرَم را هتک نمایید.

زیرا به‌راستی چنین شخصی در نظام تکوین بی‌آبرو و مهتوک است؛ گرچه خداوند کریم از روی کرمش، به‌حسب ظاهر آبروی او را حفظ نماید؛ و همین جزای اوست و نیازی به مجازات پروردگار ندارد.»

وَ أنّیٰ یُرجَی النّجاةُ لِقلبٍ ارتَبَکَت فیهِ الشُّکوکُ، حتّیٰ یَسلُکَ سَبیلَ المتّقینَ وَ یَشرِبَ منَ الماءِ المَعینِ مَعَ الْمُحسنین؟! وَ اللهُ المُستعانُ علیٰ نَفسی و أنفسِکُم و هُوَ خَیرُ مُعینٍ.

«و کجا امید نجات است برای دلی که شبهات وارد آن شده، در او نفوذ نموده است؟! (یعنی یکی از واجبات و لوازم حتمیهٔ سلوک إلی‌اللَه، یقین داشتن به مبدأ و معاد و حقانیت طریق و شیخ و استاد است؛ و در صورت پیدایش کمترین شک و تردیدی سالک خودبه‌خود از حرکت باز می‌ماند. بنابراین محال است با وجود شک، سالک از مهلکه نجات پیدا نماید.) و چنین شخصی هرگز نمی‌تواند در راه متّقین قدم بردارد، و هیچ‌گاه قدرت ندارد به مقام محسنین راه یابد و با آنان از چشمهٔ آب گوارا بنوشد. و خداوند تنها محلّ اتّکای من و شماست و او بهترین یار و یاور می‌باشد.»

دستورات اَشهُر ثلاثه

و اما دستورالعمل این سه ماه:

۱ـ عَلیکُم بِالفرائضِ فی أَحسنِ أوقاتِها و هی مَعَ نَوافلها الإحدیٰ و الخمسین.

«۱. بر شما باد به اینکه نمازهای فریضهٔ خود را

با نوافل آن که مجموعاً پنجاه‌ویک رکعت است،[1] در بهترین اوقاتشان انجام دهید.»

فإن لَم تتَمَكَّنوا فبأربَعٍ و أربعينَ.

«و اگر نتوانستید چهل‌وچهار رکعت[2] آن را بجا بیاورید.»

و إن مَنَعَتكُم شواغِلُ الدُّنيا، فَلا أقَلَّ مِن صلاةِ الأوَّابين.

«چنانچه باز هم شواغل دنیا شما را بازداشت، حتماً نافلهٔ ظهر را که به او «صلاة أوّابین» می‌گویند، انجام بدهید.

و نماز ظهر را هم در وقت فضیلت انجام دهید که در قرآن بدان تأکید شده و مراد از ﴿الصَّلَوٰةِ ٱلْوُسْطَىٰ﴾ همان نماز ظهر است.»

---

[1] مرحوم علامهٔ طهرانی رضوان‌الله‌علیه: زیرا نمازهای واجب هفده رکعت است و هریک از آنها دارای نوافل می‌باشند؛ بدین ترتیب: دو رکعت نافلهٔ صبح که وقت آن قبل از نماز صبح است، و هشت رکعت نافلهٔ ظهر و هشت رکعت نافلهٔ عصر که قبل از ظهر و عصر خوانده می‌شوند، و چهار رکعت نافلهٔ مغرب که وقتش بعد از فریضهٔ مغرب است، و یک رکعت ایستاده و یا دو رکعت نشسته که یک رکعت حساب می‌شوند و وقتش بعد از نماز عشاء است. و مجموع آنها، بیست‌وسه رکعت می‌شوند و یازده رکعت آن هم نافلهٔ شب است که جمعاً سی‌وچهار رکعت می‌باشند. بدین ترتیب مجموع نوافل و فرائض، پنجاه‌ویک رکعت می‌شوند. (انتهیٰ.)

[2] مرحوم علامهٔ طهرانی رضوان‌الله‌علیه: بدین‌صورت که چهار رکعت از عصر و دو رکعت از مغرب و وُتَیره [نافلهٔ عشاء] که مجموعاً هفت رکعت می‌باشد حذف شود. (انتهیٰ.)

۲ـ و أمّا نَوافلُ اللَّيلِ فلا مَحيصَ منها عندَ المؤمنين! و العَجَبُ ممَّن يَرومُ مَرتبةً مِنَ الكَمالِ و هُوَ لا يَقومُ اللَّيالِ! و ما سَمِعنا أحَداً نالَ مَرتبةً مِنهُ إلّا بِقيامِها.

«۲. و اما در مورد نافلهٔ شب به‌خصوص باید بدانید که: انجام دادن آن در نظر مؤمنین و سالکان حضرت معبود از واجبات است و هیچ چاره ای جز اِتیان آن نیست. و تعجب است از کسانی که قصد رسیدن به مرتبه‌ای از مراتب کمال را داشته، ولی به قیام شب و انجام نوافل آن بی‌توجه هستند.

و ما هیچ‌گاه ندیده و نشنیده‌ایم که احدی به یک مرحله و مرتبه‌ای از کمال راه یافته باشد مگر به‌واسطهٔ برپاداری نماز شب!»

۳ـ و عَليكُم بِقرائَةِ القرآنِ الْكريم فى اللَّيل بِالصَّوتِ الحَسَنِ الحزين، فهُوَ شرابُ المُؤمنين.

«۳. بر شما باد به قرائت قرآن کریم در نافله‌های شب که انسان را حرکت داده، سیر او را سریع می‌نماید و برای او بسیار مفید است. تَغَنّی به قرآن، انسان را به خدا نزدیک می‌کند! به‌خلاف غنای محرّم که آدمی را به لهو می‌کشاند؛ پس تا می‌توانید در شب‌ها قرائت قرآن کنید، چرا که قرائت قرآن شراب

مؤمنین است.»

٤ـ و علَیکُم بِالتزام الأورادِ المعتادَةِ الّتی هی بِیَدِ کُلِّ واحدٍ مِنکُم. و السَّجدَةِ المَعهُودَةِ مِن ٥٠٠ إلیٰ ١٠٠٠.

«٤. بر شما باد اینکه: به انجام دادن اوراد و اذکاری که هریک از شما به‌عنوان دستور در دست دارید، ملتزم و متعهد باشید.

و بر شما باد به مداومت سجدهٔ یونسیه و گفتنِ ذکر یونسیه: ﴿لا إلهَ إلّا أنتَ سُبْحانَکَ إنی کُنتُ مِن الظّالِمینَ﴾[1] در سجده از پانصد تا هزار مرتبه.»

٥ـ و زیارَةِ المَشهدِ المُعظَّم الأعظمِ کُلَّ یومٍ و إتیانُ المساجدِ المُعظَّمَة ما أمکنَ وَ کذا سائِرُ المساجدِ فَإنَّ المُؤمنَ فی المسجدِ کالسَّمَکة فی الماءِ.

«٥. بر شما باد به زیارت مشهد اعظم (که مراد همان حرم مطهر امیرالمؤمنین و قبر نورانی آن بزرگوار است) و نیز سایر مشاهد مشرفهٔ اهل‌البیت علیهم‌السلام و مساجد معظمه مانند: مسجدالحرام، مسجدالنّبی، مسجد کوفه، مسجد سهله و به‌طور کلی هر مسجدی از مساجد؛ زیرا مؤمن در مسجد، همانند

---

[1] سورهٔ انبیاء (٢١)، ذیل آیهٔ ٨٧.

ماهی است در آب دریا!»

٦. و لا تترُکوا بَعدَ الصّلواتِ المفروضاتِ تسبیحةَ الصِّدیقةِ صلواتُ اللهِ علیها، فإنَّها مِنَ الذِّکر الکبیر. وَ لا أقَلَّ فی کلِّ مَجلِسٍ دَورَةٌ.

«۶ـ و هیچگاه پس از نمازهای واجب خود، تسبیحات حضرت صدیقه صلوات‌اللَه‌علیها را ترک ننمایید؛ زیرا این تسبیحات، یکی از انواع «ذکر کبیر» شمرده شده است. [لااقل بعد از هر نماز یک دوره این تسبیحات را بخوانید!]»

۷ـ و مِنَ اللّازمِ المُهمِّ الدُّعاءُ لِفَرَجِ الحجَّةِ صَلواتُ اللهِ عَلیهِ فی قُنوتِ الوَتر؛ بَل فی کُلِّ یومٍ و فی جمَیعِ الدَّعوات.

«۷. یکی از وظائف مهم و لازم برای سالک إلی‌اللَه، دعا برای فرج[1] حضرت حجّت صلوات‌اللَه‌علیه در قنوت «وَتْر» است؛ بلکه باید در هر روز و در همهٔ اوقات و همهٔ دعاها، برای فرج آن بزرگوار دعا نمود.»

۸ـ و قراءةُ الجامعة فی یومِ الجُمُعة، أعنی الجامعةَ المعروفَةَ المشروحَة.

---

[1] دعای فرج در مفاتیح الجنان آمده است و با این جملات شروع می‌شود: «إلهي عَظُمَ البلاءُ وَ بَرَحَ الخفاءُ.....»

«۸. و یکی دیگر از وظائف لازم و مهم، قرائت زیارت جامعه، معروف به «جامعهٔ کبیره» در روز جمعه است.»

۹ـ و لا تَکونُ التّلاوَة أقلَّ مِن جُزءٍ.

«۹. لازم است که قرائت قرآن حتماً کمتر از یک جزء نباشد.»

۱۰ـ و أکثِروا مِن زیارةِ الإخوانِ الأبرار؛ فإنّهم الإخوانُ فی الطّریق، وَ الرَّفیقُ فی المَضیق.

«۱۰. تا می‌توانید بسیار به دیدار و زیارت برادران نیکوکار خود بشتابید؛ چرا که به‌راستی آنها برادرانی هستند واقعی که در تمام مسیر، همراه انسان‌اند و با رفاقت خویش، آدمی را از کریوه‌های نفْس و تنگناها و عَقَباتِ آن عبور می‌دهند.»

۱۱ـ و زیارةِ القبور فی النَّهار غبّاً و لا تزورُوا لَیلاً.

«۱۱. به زیارت اهل قبور ملتزم باشید، ولی نه به‌صورت مداوم و همه روزه (مثلاً در هفته، یک روز انجام بگیرد)؛ و نباید زیارت قبور در شب واقع گردد.»

مَا لنا ... و لِلدُّنیا؟! قَد غَرَّتْنا! و شَغَلَتْنا و اسْتَهوَتنا و لَیسَت لَنا!

«ما را با دنیا چه‌کار؟! به‌راستی دنیا ما را فریب داده، به پستی و ذلّت کشانید! ما را از مقام عزت و رفعت پایین آورد! و دنیا پست‌تر از آن است که برای ما هدف قرار گیرد؛ پس آن را برای اهل دنیا واگذارید.»

فَطوبیٰ لِرِجالٍ أبدانُهم فی الناسوت و قلوبُهُمْ فی اللّاهوتِ.... أُولئک الأقلّونَ عدَداً..... و الأکثرونَ مَدَداً..... أقولُ ما تَسمَعونَ، و أستغفِرُ اللهَ.

«پس به‌به! خوشا به‌حال آن مردانی که بدن‌های آنان در این عالم خاکی است ولی قلوبشان در عالم لاهوت، یعنی در عالم احدیت و واحدیت و عزّ پروردگار در پرواز می‌باشد.

و این افراد، اگرچه از نظر تعداد بسیار کم هستند، ولیکن از نظر قوّت و مدد و از جهت واقعیت و اصالت و حقیقت دارای اکثریت می‌باشند.

من می‌گویم آنچه را که شما می‌شنوید و از ذات اقدس حضرت حق طلب مغفرت می‌نمایم.» (۱۳۵۷ هـ ق)[1]

[مرحوم علامهٔ طهرانی:] این دستوراتی است که

[1] صفحاتٌ من تاریخ الأعلام فی النجف الأشرف، ج۱، ص۱۸۵ ـ ۱۸۸.

مرحوم قاضی به شاگردان خود داده است، و رفقا این دستورات را در این سه ماه انجام می‌دهند.

البته این اعمال را در حدّ امکان [باید انجام داد]، هر کسی که نمی‌تواند هر روز را روزه بگیرد، حتی‌الامکان پنج روز از رجب و ده روز از شعبان را بگیرد؛ خلاصه به‌حسب ملاحظهٔ مزاج و قوّه و حال و استعداد بگیرد.

و قرائت القرآن در شب علیٰ حدِّ القدرة.

اگر می‌توانی نخواب؛ و اگر کسی نمی‌تواند همهٔ شب را نخوابد، «صَبّ» باشد (صب یعنی جگرسوخته؛ بیدارخوابی کند؛ شب زود بخوابد و سعی کند بیدارخواب کند طوری که بدن استراحت خود را بگیرد.)

مرحوم قاضی اول شب می‌خوابیدند، بعد نماز می‌خواندند و بعد می‌خوابیدند و باز نماز می‌خواندند؛ همین‌طور تا دو ساعت به اذان که دیگر نمی‌خوابیدند. مرحوم آخوند [آیت‌الله ملاحسین‌قلی همدانی] سه ساعت به اذان صبح بیدار بودند.

اگر نافلهٔ شب را به‌جا نیاورید، فایده ندارد و

عرفان معنا ندارد؛ عرفان به عمل است نه به گفتن![1]

اللَهم صل علی محمد و آل محمد

[1] مهر تابناک، ص ۲۲۵.